

مختصر کتاب

قاموس حج و عمره

چگونه حج و عمره را بجای آوریم

نوشتہ:

محمد علی سلطان العلماء

عنوان کتاب: قاموس حج و عمره
نویسنده: محمد علی سلطان العلماء
موضوع: فقه و اصول - فقه شافعی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳.....	حَجّ و عمره
۵.....	حَجّ مَیّت
۵.....	شروط وجوب حج و عمره
۶.....	انواع حج و عمره
۶.....	اداء حج و عمره
۷.....	ارکان حج، ارکان عمره
۷.....	ارکان عمره
۸.....	وقوف عرفه
۸.....	شروط طواف
۹.....	سعی
۹.....	واجبات حج
۱۰.....	سنّت های حجّ

- ۱۱..... مکروهات حج و عمره
- ۱۲..... فوت شدن حجّ
- ۱۲..... محرّمات احرام
- ۱۳..... چگونه حج را بجا می آوریم
- ۲۵..... زیارت قبر رسول الله ﷺ

حَجَّ و عمره

حَجَّ بمعنی قصد رفتن به خانهٔ خدا برای اداء مناسک حج است. وقت آن از اوّل ماه شوال آغاز می‌شود و تا صبح صادق روز عید قربان ادامه دارد. عُمْرَه بمعنی زیارت است؛ بدین معنا که شخص برای اداء عمره به زیارت خانهٔ خدا برود. وقت عمره همه ایّام سال است. البته کسی که مشغول حجّ است مادام که از همه ارکان و واجبات حج فارغ نشده نمی‌تواند احرام عمره ببندد.

احرام بعنی نِیّت و قصد انجام حج است. در نیت می‌گوید: «نَوَيْتُ الْحَجَّ وَأَحْرَمْتُ بِهِ لِلَّهِ تَعَالَى». «قصد انجام دادن حج نمودم و برای رضای خداوند ﷻ احرام بستم». احرام یعنی قصد و نیت عمره این است که بگوید: «نَوَيْتُ الْعُمْرَةَ وَأَحْرَمْتُ بِهَا لِلَّهِ تَعَالَى». یعنی: «قصد انجام دادن عمره نمودم و برای رضای خداوند ﷻ احرام بستم».

محلّ احرام بستن حج یا عمره را میقات می‌نامند. برای کسی که در مکه به سر می‌برد برای احرام بستن به حج وقتی که از خانه بیرون می‌آید، برای رفتن به منی و عرفه احرام حج را می‌بندد.

محلّ احرام بستن عمره برای کسی که در مکه به سر می‌برد تنعیم است که اکنون **مساجد** عائشه نامیده می‌شود. احرام بستن برای عمره از آنجا، یا از جعرانه و یا از حُدَیبِیَّه باید صورت بگیرد. همهٔ این اماکن در مکه معروف

هستند. با هر تا کسی می‌توان به هریک از آنجاها رفت.

محل احرام بستن حج یا عمره برای کسی که بیرون از مکه است، پنج محلّ است.

ذُو الْحُلَيْفَةِ که ابیار علی نامیده می‌شود، میقات مردم مدینه است.

جُحْفَه: که رابع نیز نامیده می‌شود میقات مردم مصر و شام است.

ذات عِرْق و عقیق که کمی دورتر از آن است برای اهل عراق و کسانی که از آن مسیر برای حج و یا عمره بیایند، می‌باشد.

قَرْنُ الْمَنَازِل برای اهل حجاز، نجد، یمن و کسانی که از آن راه برای حج و یا عمره می‌روند، می‌باشد.

يَكْمَلَمَ برای اهل یمن و کسانی که از آن راه برای حج و یا عمره می‌روند، می‌باشد.

معلوم است که حج و عمره در عمر تنها یکبار فرض هستند؛ آن‌هم برای کسی که شروط وجوب حج و عمره در حق او فراهم شده باشند.

میقات یا محلّ احرام بستن کسی که از امارات متحد عربی به حج و یا عمره می‌رود. قَرْنُ الْمَنَازِل است.

حجّ میّت

کسی که حج بر او واجب باشد و حج نکند و بمیرد و باید از مال او حج را برایش اداء نمود.

کسی که به جای میّت برای حج می رود باید حجّ فرض خود را قبلاً اداء کرده باشد.

شروط وجوب حج و عمره

مسلمان بودن، مکلف یعنی بالغ و عاقل بودن، آزادی یعنی برده نبودن که کنیز و یا غلام کسی نباشد، استطاعت که توانائی رفتن به حج و عمره از نظر سواری و توشه را داشته باشد و علاوه بر این از بدهی یا خرج خانواده اش بیشتر باشد. کسی که میان محلّ اقامت او و مکه مکّمه کم تر از شانزده فرسخ باشد و توانائی پیاده رفتن را داشته باشد لازم است برای حج و عمره پیاده برود.

شرط پنجم، وقت رفتن به حج است که از اوّل شوال تا صبح صادق روز عید قربان زمان حج است. عمره را در همه ایام سال می توان انجام داد. شرط صحّت حج و عمره فقط اسلام است. مسلمان چه کوچک و چه بزرگ و چه غنی و چه فقیر می تواند مناسک حج را ادا کند.

انواع حج و عمره

(۱) حج و عمره اسلام (۲) حج و عمره قضا (۳) حج و عمره نذر (۴) حج عمره سنت.

اداء حج و عمره

حج را به سه گونه می‌توان بجا آورد.

افراد: به این صورت است که اول حج را بجا می‌آورد. از حج که فارغ شد عمره را بجا می‌آورد.

تمتع: بدین صورت است که اول عمره را بجا می‌آورد و در همان سال حج را هم بجا می‌آورد نخست عمره را در ماه‌های حج که از اول شوال است انجام می‌دهد و در ماه‌های حج همان سال حج را هم بجا می‌آورد. در تمتع ذبح گوسفند یعنی قربانی هم لازم است. گوشت قربانی را باید به فقراء حرم مکه داد.

قران: بدین صورت است که احرام به حج و عمره را باهم می‌بندند و اعمال حج را انجام می‌دهد و حج و عمره هر دو برایش حاصل می‌شود. در حج قران هم ذبح گوسفند و دادن گوشت آن به فقراء حرم مکه لازم است.

نیّت حج: نیّت حج نمودم و برای خدا احرام حج بستم.

نیّت عمره: نیّت عمره نمودم و برای خدا احرام عمره بستم.

نیّت حج و عمره باهم: نیّت حج و عمره نمودم و برای خدا احرام حج و

عمره بیستم.

ارکان حج، ارکان عمره

- ۱- احرام: همان نیت حج است که بیان شد.
- ۲- وقوف عرفه.
- ۳- طواف رکن که باید بعد از وقوف عرفه باشد.
- ۴- سعی: میان صفا و مروه که باید بعد از طواف باشد، چه بعد از طواف رکن و چه بعد از طواف قدوم.
- ۵- تراشیدن یا کوتاه کردن موهای سر.
- ۶- ترتیب: چنان که بیان شد. اول احرام، بعد وقوف عرفه، پس از آن طواف رکن، بعد سعی، آنگاه حلق و یا تقصیر موی سر.

ارکان عمره

احرام، طواف، سعی، حلق و یا تقصیر موی، و رعایت ترتیب اینها. در عمره، طواف قدوم نیست.

احرام: گفتیم مقصود از آن نیت حج یا عمره است که قبلاً بیان شد. محلّ احرام که میقات است هم بیان شد. در احرام مردها رعایت این مورد واجب است: پرهیز از لباس دوخته، پوشیدن لباس احرام یعنی از اروردا. برای مردها سنت است هردو سفید باشد، برهنه بودن سر برای مرد و برهنه بودن صورت برای زن در همه مدّت احرام تا فارغ شدن از حج و عمره، پوشیدن دستکش و جوراب بر مرد و زن حرام است. در صورت پوشیدن فدیّه لازم می‌گردد.

زن می‌تواند لباس دوخته بپوشد آن هم به هر رنگی که باشد.

قبل از احرام بدن را شستن (غسل) و دو رکعت نماز سنّت احرام خواندن سنت است.

و قوف عرفه

وقت آن از اذان ظهر روز نهم ذیحجه است تا اذان صبح روز عید قربان. برای حضور در زمین عرفه شرط است که شخص اهلیت عبادت را داشته باشد. بدین معنا که عقل و هوش داشته باشد، هرچند بیش از چند دقیقه در آنجا نماند.

در عرفه جمع میان روز و شب سنّت است بدین صورت که بعد از ظهر روز عرفه تا بعد از غروب آفتاب آن روز در عرفه باشد. همه وقت را در یاد خدا، تلاوت قرآن و صلوات بر پیغمبر بگذرانند و نگذارد لحظه‌ای از وقت او به غفلت بگذرد؛ چون آنجا محلّ آمرزیده شدن گناهان و پاک شدن از گناه و محلّ آراسته شدن به طاعت خدا است.

شروط طواف

- طهارت کامل داشتن.
- ستر عورت (یعنی پوشیده بودن عورت).
- انجام شدن طواف در مسجدالحرام مکه.
- هفت دور طواف کردن که ابتداء آن از حجرالاسود باشد.
- اینکه دست چپ او به طرف کعبه مشرفه باشد.
- در طواف قدوم و طواف عمره، سه بار زمّل یعنی به شتاب راه رفتن - میانه لنگ دوش را زیر بغل راست نمودن و دو طرف لنگ دوش بر

دوش چپ انداختن - بعد از طواف دو رکعت سنّت طواف خواندن، نماز سنّت طواف بهتر است در مقام ابراهیم خوانده شود. اگر آنجا میسر نشد در هر جای مسجدالحرام بخواند کفایت می‌کند. در مسجدالحرام: بیشترین ثواب را طواف دارد. بعد از آن نماز و بعد از نگاه کردن به کعبه مشرفه بیشترین ثواب را دارد.

سعی

سعی هفت بار باید صورت بگیرد. سعی نیز عبارت است از رفتن از صفا به مروه و از مروه به صفا رفتن. برای مرادن میان لُنگ دوش زیر بغل راست قرار دادن و دو طرف لنگ دوش روی دوش چپ نهادن و دویدن میان دو چراغ سبز سنّت است. حلق یعنی تراشیدن موی سر و یا تقصیر یعنی کوتاه کردن آن از ارکان حجّ و عمره است و از طریق کندن یا برداشتن سه تار مواین عمل صورت می‌گیرد. برای مرد تراشیدن همه سر بهتر است و برای زن کوتاه کردن همه موی سر سنّت است.

واجبات حج

مقصود از واجبات حج چیزهایی است که هرکدام ترک شد فدیّه لازم می‌شود. فدیّه واجبات، ذبح یک گوسفند است و دادن گوشت آن به فقراء حرم مکه:

۱- احرام از میقات: اگر از احرام بدون احرام گذشت، ذبح گوسفند لازم است:

- ۲- **مَبِیت**: یعنی ماندن شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی که در هر یک از این شب‌ها بیشتر شب را در منی نماند فدیة لازم است. اگر روز دوازدهم قبل از غروب از منی بیرون رفت، ماندن شب سیزدهم در منی و سنگ انداختن در روز سیزدهم (رمی جمار) ساقط می‌شود.
- ۳- **مَبِیت مزدلفه**: در نیمهٔ دوم شب عید قربان باید در مزدلفه باشد، گرچه ساعتی بیشتر در آن نماند.
- ۴- **طواف وداع**: وقتی که از اعمال حج و عمره فارغ شد، طواف وداع را بجا آورده سفر می‌نماید. طواف وداع زن حائض لازم نیست.
- ۵- **رَمی جمار**: یعنی سنگ انداختن به ستون‌های اولی و وسطی و عقبی، به هر کدام هفت سنگ، اندازهٔ سنگ نیز باید بقدر باقلا باشد. در روز عید قربان فقط سنگ به ستون عقبه انداخته می‌شود و در روزهای یازده و دوازده و سیزده بعد از زوال آفتاب به هر سه ستون سنگ انداخته می‌شود.

سنت‌های حج

- ۱- **تَلْبِیْه**: یعنی لَبِّیک گفتن از لحظهٔ احرام بستن تا رَمی جمرهٔ عقبه در صبح روز عید قربان، درود و سلام بر پیغمبر و آل و اصحابش فرستادن بعد از هر چند بار لبیک گفتن.
- ۲- جمع نمودن میان شب و روز در عرفه که در عرفه تا بعد از غروب آفتاب بماند.
- ۳- وقوف در **مَشْعَر الحرام** (نام کوهی است) وقتی که از مزدلفه به منی می‌روند.

- ۴- پوشیدن لباس احرام: یک کُنگ پا و یک کُنگ دوش و سنّت است هر دو سفید و نو باشند.
- ۵- طواف قدوم، اگر احرام حج بسته است.
- ۶- شتاب نمودن و دویدن شرط اول هر طوافی است که بعد از آن سعی باشد.
- ۷- تند دویدن میان دو میل سبز (۲ چراغ سبز) در سعی.
- ۸- بجا آوردن غسل‌های سنّت برای احرام، عرفه، رمی جمار، مبیّت مزدلفه، مبیّت منی وغیره.
- سنّت‌های عُمره همان سنّت‌های حج است، بجز آنچه به عرفه و منی تعلق دارد.

مکروهات حج و عمره

- ۱- مجادله با خدمتکاران و همراهان سفر.
- ۲- گرفتن سنگ جمار از محلّ ناپاک و آلوده.
- ۳- روزه روز عرفه برای حجاج.
- ۴- به حج رفتن بدون توشه و زاد سفر و دست تکدی دراز کردن.
- ۵- خاراندن مو و شانه زدن مو.
- ۶- سرمه به چشم کشیدن، سرمه‌ای که بوی خوش نداشته باشد. (امّا سرمه‌ای که بوی خوش داشته باشد استعمالش حرام است).

فوت شدن حجّ

وقتی که کسی به وقوف عرفه نرسید حج او فوت شده، بنابراین باید عمل عمره را بجا آورد و از احرام بیرون آید و سال دیگر حج را قضاء نماید. کسی که قبل از تحلل اول با زن نزدیک شد، حج او فاسد است، باید حج را اتمام کند و سال دیگر هم قضاء نماید. ذبح شتر نیز لازم است که گوشت آن را به فقراء مکه بدهد.

محرمات احرام

این نه چیز بر مُحْرِم حرام است:

- ۱- زدن خوشبویی و عطریات به بدن یا لباس یا خوارک، بعد از احرام.
 - ۲- پوشیدن چهره برای زن و پوشیدن سر برای مرد.
 - ۳- پوشیدن دستکش بر مرد و زن و جوراب بر مرد.
 - ۴- لباس دوخته، کلاه، کفش و دستار بر مرد.
 - ۵- عقد نکاح و ازدواج کردن در احرام.
 - ۶- شکار کردن.
 - ۷- چیدن ناخن.
 - ۸- کشتن شکار (شکار هر حیوان وحشی حلال گوشت).
 - ۹- روغن زدن به موی سر و ریش.
- اگر مُحْرِم یکی از این محرمات را مرتکب شد فدیّه بر او لازم می‌شود. جز اینکه عقد نکاح مُحْرِم منعقد نمی‌گردد و عقد نکاح او باطل است.

چگونه حج را بجا می آوریم

باید رضایت پدر و مادر را بدست آورد، موافقت زن و فرزند را جلب نمود، بدهی‌های خود را پرداخت یا از طلبکار اجازه رفتن به حج را گرفت. نفقه بستگان را در مدت رفتن به حج و برگشتن تهیه نمود، صلۀ ارحام را بجا آورد، دوستی دانا و خوش خلق بدست آورد که در سفر یار و همراه و در طاعت خداوند متعال مددکار باشد. گذرنامه (جواز سفر، پاسپورت و گذرنامه به یک معنی است) بلیط هواپیما و یا بلیط ماشین تهیه نموده وجه برای مصرف سفر حج آماده کرد، لباس احرام تهیه نمود. داروهای اولیه‌اش مثل مسکن، پانسمان، قرص اسهال و... تهیه کرد، سایه بان و لباس مورد نیاز فراهم نمود، با والدین، و زن، فرزند، خویشان و آشنایان خدا حافظی کرد و از ایشان دعای خیر طلبید. پس از آن باید به خانه آمد، بدن را شست، لباس احرام پوشید و دو رکعت نماز سنت احرام خواند، البته اگر وقت کراهت نماز نبود (بعد از نماز صبح تا اینکه شانزده دقیقه از طلوع آفتاب نگذرد نماز سنت احرام مکروه است، بعد از نماز عصر تا اینکه آفتاب کاملاً غروب نکرده باشد نماز سنت احرام مکروه است).

بعد از خواندن نماز سنت احرام، به بستگان می‌گوییم: «أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكُ». ایشان هم همین را به ما می‌گویند و می‌افزایند: «رَوَدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى وَأَصْحَبَكَ السَّلَامَةَ فِي سَفَرِكَ كُلُّهُ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ».

وقتی که در هواپیما و یا ماشین نشستیم، می‌گوییم: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ سُبْحَانَ

الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ».

در طول راه نیز باید به یاد خدا باشیم و به تهلیل، تسبیح، تحمید، قرآنت قرآن و درود و سلام بر رسول الله و آل و اصحابش پردازیم. وقتی که به میقات یعنی محلّ احرام بستن رسیدیم، نیت حج می‌نمائیم، اگر قصد داریم اوّل حج را انجام بدهیم، یا نیت عمره می‌نمائیم اگر قصد داریم اوّل به عمره بجا آوریم، قصد هرکدام را داشتیم احرام آن را می‌بندیم. کسی که از امارات با هواپیما به حج و یا عمره می‌رود، میقات او قَرْنُ الْمَنَازِل است. وقتی که هواپیما برابر آن رسید، خَلْبَان رسیدن به میقات را اعلام می‌کند، تا حجاج احرام ببندند و اگر لباس احرام قبلاً نپوشیده‌اند لباس احرام بپوشند و احرام ببندند. کسی که با ماشین از امارات به حج می‌رود، می‌بیند که وادی قَرْن المنازل دو راهی می‌شود که هر دو راه در وادی قرن المنازل امتداد دادند. در هر دو راه در میقات مسجد وجود دارد. یکی میقات سیل کبیر است که از مسجدی که در آنجاست احرام می‌بندند.

دومی راهی است که از کوه عبور می‌کند. در آنجا منطقه‌ای است بنام وادی مُحَرَّم که مسجدی دارد و از آن مسجد احرام می‌بندند.

وقتی که به آن مسجد رسیدند، اگر قبلاً بدن نشسته و لباس احرام نپوشیده‌اند، غُسل احرام انجام می‌دهند، لباس احرام می‌پوشند و دو رکعت سنّت احرام می‌خوانند. از مسجد که بیرون آمدند و در ماشین نشستند وقتی که ماشین شروع به حرکت نمود احرام می‌بندند. از لحظه احرام بستن تا صبح روز عید قربان به ستون عقبه سنگ می‌اندازند، لَبَّيْكَ گفتن را، ورد زبان خود قرار می‌دهند، لبیک از این قرار است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

چند بار که لبیک گفت درود و سلام بر رسول الله و

آل و اصحابش می‌فرستند، برای بزرگان مسلمانان و همچنین برای خودش دعا می‌کند. برای عزّت مسلمانان دعا می‌نماید و برای مغفرت و رحمت و عاقبت خیر برای خودش و والدینش، فرزندان و خویشان، دوستان و همه مسلمانان دعا می‌کند. در دعا راه اخلاص را در پیش می‌گیرد. کینه و دشمنی را در دل راه نمی‌دهد. حتی برای دشمنان هم طلب هدایت می‌نماید، تا توفیق مسلمان شدن بیابند. در راه حج دل را خوش می‌گیرد. خدا را سپاس می‌گوید که او را توفیق رفتن به حج و عمره عطا فرمود.

در هواپیما ورقه‌ای که به او می‌دهند تا شماره جواز و نام خود و پدرش و محل صدور جواز و تاریخ صدور و انتهاء جواز و محل اقامت خود را در مکه مکرمه و مدینه منوره بنویسد. همه اینها را بدرستی و با دقت بنویسد. در جده وقتی که جواز را تحویل می‌دهد، بعد از تحویل گرفتن نگاه کند که زمان دخول و خروج را بدرستی و با دقت قید کرده باشند، تا دچار مشکل نشود. از گذرنامه خود کاملاً محافظت نماید؛ چون اگر در سفر گذرنامه را از دست بدهد دچار مشکلات فراوان می‌شود. موقع خروج از فرودگاه جده برای رفتن به مکه مکرمه با اتوبوس برود. اگر ماشین درست می‌خواهد از ایستگاه ماشین‌ها ماشین بگیرد. نه اینکه در کوچه هر ماشینی پیدا شد بگیرد. وقتی که به مکه مکرمه رسید و به خانه و یا هتل مورد نظرش رفت چمدان را بگذارد و به مسجد الحرم برود تا طواف قدوم و سعی بعد از آن را انجام دهد، اگر احرام به حج بسته است؛ و یا طواف و سعی و حلق انجام دهد و از احرام بیرون آید اگر احرام به عمره بسته است. وقتی که خانه خدا را دید بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَالْأَمْنَ أَمْنُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ زِدْ هَذَا الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا، وَبِرًّا وَمَهَابَةً، وَزِدْ مَنْ شَرَّفَهُ وَكَرَّمَهُ وَعَظَّمَهُ مِنْ حَجَّهِ، وَاعْتَمَرَهُ تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا، وَبِرًّا، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ فَحَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ، دَارَكَ

دَارَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

این را هم بداند که هربار که خانه خدا را می بیند باید آن را بگوید. سپس کسی که احرام به عمره و یا احرام به حج بسته است، برای طواف خانه خدا برود. احرام حج و عمره شامل طواف است. طواف نیت جداگانه نمی خواهد. اما پس از فراغت از عمره تا وقتی که احرام حج نبسته است هربار که می خواهد طواف بکند، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي نَوَيْتُ طَوَافَ فَيْسَرِهِ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي» طواف را از حجرالاسود شروع نماید. اگر نزدیک حجرالاسود است و می تواند آن را ببوسد و به آن دست بکشد بعد از بوسیدن حجرالاسود و دست کشیدن به آن کمی به عقب برود و طواف را شروع کند. اگر از حجرالاسود دور است با دست خود اشاره نماید و دست خود را ببوسد و بکوشد که در طواف همیشه ناحیه چپ بدن او بطرف کعبه باشد. بعد از بوسیدن حجرالاسود یا اشاره کردن به سوی آن، بگوید: «اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ بَيْنَكَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَالْأَمْنَ أَمْنُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»، (وقتی که برابر میزاب رسید بگوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنِي بِكَأْسِ نَبِيِّكَ شَرْبَةً هَنِئَتْ لَا أَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا». وقتی که برابر پشت کعبه رسید، بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَدَنْبًا مَغْفُورًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» وقتی که به رکن یمانی رسید، اگر نزدیک آن است به آن دست بکشد و آن را نبوسد و اگر دور از آن است با دست خود اشاره به آن نماید و میان رکن یمانی و حجرالاسود بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا، أَعْظَيْتَنِي وَاخْلُفْ عَلَيَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِي مِنْكَ بِحَيْرٍ». وقتی که به حجرالاسود رسید یکبار طواف انجام گرفته است، باید به همین ترتیب

هفت بار طواف انجام دهد. از هفت بار طواف که فارغ شد، به ملتزم برود که میان حجرالاسود و دروازه خانه خدا است. آنجا دعا نماید. اگر در میان طواف اقامه نماز فرض گفته شد، به نماز فرض بایستد و بعد از نماز فرض، طواف خود را تکمیل کند. لازم نیست طواف را از سر بگیرد. همچنین اگر در اثناء طواف بی‌وضوء شد، برود وضوء بگیرد و بیاید طواف خود را تکمیل کند. لازم نیست طواف را از سر بگیرد. مثلاً سه بار طواف کرده بود که اقامه نماز فرض گفته شد، نماز فرض را با امام بخواند و بعد از نماز فرض بقیه طواف را تکمیل نماید. همچنین اگر بعد از سه بار طواف مثلاً بی‌وضوء شد، برود، وضوء بگیرد و بعد از وضوء گرفتن بیاید و چهار بار بقیه طواف را تکمیل کند. بعد از تکمیل طواف چنانکه گفتیم به مقام ابراهیم بیاید و دو رکعت سنت طواف بخواند. در رکعت اول سوره فاتحه و ﴿قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ﴾ را بخواند و در رکعت دوم فاتحه و ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ را بخواند (نماز خواندن روبروی خانه یعنی مقابل طرفی که دروازه کعبه مشرفه در آن است، از دیگر جهات کعبه مشرفه بهتر است) بعد از اینکه دو رکعت سنت طواف خواند این دعا را بخواند: «لَلّٰهُمَّ هٰذَا بَلَدُكَ وَالْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَبَيْتُكَ الْحَرَامُ وَاَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اُمَّتِكَ بِذُنُوْبٍ كَثِيْرَةٍ، وَخَطَايَا جَمَّةٍ وَاَعْمَالٍ سَيِّئَةٍ، وَهٰذَا مَقَامُ الْعَايِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاغْفِرْ لِيْ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ، اللّٰهُمَّ اِنَّكَ دَعَوْتَ عِبَادَكَ اِلَىٰ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَقَدْ جِئْتُ طَالِبًا رَّحْمَتِكَ مُبْتَغِيًّا رِضْوَانِكَ وَاَنْتَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِدَلِيْكَ فَاغْفِرْ لِيْ وَاَرْحَمْنِيْ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». بعد از سنت طواف و گفتن این دعا اگر ممکن بود بسوی حجرالاسود برگردد؛ به آن دست بکشد و آن را بیوسد. آنگاه از باب صفا برای سعی میان صفا و مروه برود (امروزه آنجا دروازه‌ای نیست. چراغی سبز هست که نشان می‌دهد از آنجا برای سعی میان صفا و مروه می‌روند).

وقتی که بر صفا بالا رفت، می گوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». این را سه بار می گوید. بعد از هر بار که این را خواند دعا می نماید و آنچه را که در دل دارد از خدا می خواهد. رسول ﷺ دعا می فرمود. عمر رضی الله عنه دعای خود را بر بالای صفا طول می داد. از دعاهای او که آن را مستجاب دانسته اند این است: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَإِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنْزِعَهُ مِنِّي حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي وَأَنَا مُسْلِمٌ». آنگاه از صفا پایین می آید و بطرف مروه می رود. وقتی که میان او و چراغ سبزی که بر دیوار است شش گز ماند شروع به دویدن می کند تا به چراغ سبز دومی برسد. در حال دویدن می گوید: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». بعد از اینکه از دو چراغ گذاشت به صورت عادی خود راه می رود و همان ذکر و دعاء را بر مروه تکرار می کند. از مروه به سوی صفا می رود، رفتن از صفا به مروه یکبار حساب می شود و از مروه به صفا بار دیگر تا هفت بار تکمیل شود. سعی رکنی از ارکان حج و عمره است. اگر احرام به عمره بسته طواف که نمود و سعی را انجام داد، حلق یعنی سر تراشیدن را انجام می دهد و از احرام بیرون می رود و تا روز هشتم ذیحجه صبر می کند و منتظر می ماند. اما اگر احرام حج بسته طواف و سعی که نمود در حالت احرام باقی می ماند تا روز هشتم ذیحجه که به سوی منی می روند. آن کسی که به عمره احرام

بسته بوده و از عمره فارغ شده و به انتظار روز هشتم ذیحجه نشسته، روز هشتم ذیحجه از خانه که بیرون می‌آید احرام به حج می‌بندد و طواف وداع می‌نماید و به منی می‌رود. ولی کسی که احرام به حج بسته بوده و در حال احرام مانده، در روز هشتم ذیحجه به منی می‌رود و طواف وداع برای‌شان لازم نیست. اگر هشتم ذیحجه روز جمعه است و در منی نماز جمعه نمی‌خوانند قبل از اذان صبح بسوی منی می‌روند. اگر در منی نماز جمعه می‌خوانند و یا روز غیر جمعه است، صبح روز هشتم به منی می‌روند و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را در منی می‌خوانند. اگر حج‌گذار مسافر است بدین معنا که از رسیدنش به مکه چهار روز نگذشته است و به منی می‌رود، نماز ظهر و عصر را و مغرب و عشا را جمع و قصر می‌نماید. اگر حج‌گذار مسافر نیست بدین معنا که از رسیدنش به مکه چهار روز به استثنای زمان دخول و خروج در مکه بوده جمع و قصر نمی‌خواند و هر نماز را در وقت آن می‌خواند. شب نهم ذیحجه در منی می‌ماند. نماز صبح روز نهم ذیحجه را که روز عرفه است در منی می‌خواند و بعد از طلوع آفتاب بسوی عرفه می‌رود. اگر شخصی که چهار روز یا بیشتر در مکه مانده قصد رفتن به منی و عرفه و مزدلفه و منی را بنماید و بعد از منی و آمدن به مکه در مکه نمی‌ماند و به محلّ و شهر خود برمی‌گردد، حق قصر و جمع نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را در منی و مزدلفه و عرفه و منی دارد. بعد از طلوع آفتاب روز نهم بسوی عرفه می‌رود. موقع رفتن به سوی عرفه می‌گوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَوَجَّهَكَ الْكَرِيمَ أَرَدْتُ، فَاجْعَلْ ذَنْبِي مَغْفُورًا، وَحَجِّي مَبْرُورًا، وَارْحَمْنِي وَلَا تُخَيِّبْنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». در حج بسیار لبیک می‌گوید. نخست به نمره می‌رود و آنجا می‌ماند. وقت اذان ظهر به مسجد ابراهیم می‌رود. حج‌گذار مسافر همراه امام نماز ظهر و عصر را جمع و قصر می‌خواند و غیر مسافر نماز ظهر را می‌خواند و نماز عصر را در وقت آن عصر

می‌خواند. (اگر به تقلید از بعضی ائمه که جمع و قصر را بَعْدُر تُسْک یعنی بَعْدُر حج روا می‌دارند، با امام قصر و جمع نماید، روا است).

بعد از نماز ظهر که با امام جمع و قصر نمود، از مسجد ابرهیم به عَرَفَه می‌روند (قسمتی از مسجد ابرهیم از عُرْنَه و قسمتی دیگر از عرفه است. نَمْرَه، عُرْنَه و عَرَفَه همه با تابلوی بزرگ که ابتدا و انتهای عَرَفَه را مشخص می‌کند، از هم جدا می‌شوند). برای وقوف عرفه باید در محلی بایستد که یقیناً از عَرَفَه است و به وسیلهٔ تابلو مشخص شده است. در این مورد تساهل نوزد؛ برای اینکه اگر در عرفه وقوف نداشته باشد حج انجام نشده و زحمت بی‌فایده کشیده است. از عوام پیروی نکند، چون روی تابلوی بزرگ بالای سرشان نوشته است: اینجا از نَمْرَه است، با اینحال آنجا می‌مانند و به عرفه نمی‌روند و در نتیجه بدون حج برمی‌گردند. در عرفه در نقطه‌ای بایستد که با صخره سنگ‌های بزرگ فرش شده است. چون آنجا محل وقوف رسول الله ﷺ است، در آنجا اگر بتواند در برابر آفتاب بایستد، بسیار ذکر کند، لَبَّیک بگوید، قرآن بخواند، «لا إله إلا الله» بگوید و دعا کند. چون در آنجا باید طوری به یاد خدا باشد و خشوع و تضرع، فروتنی، ندامت و پشیمانی از عُمَر از دست رفته اظهار نماید تا سرانجام گناهان او بکلی محو شوند. دعا و اظهار انابت او طوری باشد که از آن پس آیندهٔ عمرش را همه در طاعت و بندگی به کار گیرد. رسول الله ﷺ فرمود: بهترین دعا، همانا دعای روز عرفه است و بهترین گفتاری که من و پیغمبران پیش از من گفته‌ایم این است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي نَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَإِلَيْكَ مَآئِي وَبِكَ تُرَاتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَوَسْوَاسِ الصُّدْرِ

وَشَتَاتِ الْأَمْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، اللَّهُمَّ انْقُلْنِي مِنْ دُلِّ الْمَعْصِيَةِ إِلَى عَزِّ الطَّاعَةِ، وَاكْفِنِي بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَاعْنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَنَوِّرْ قَلْبِي وَقَبْرِي وَاعْزِزْنِي مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ وَاجْمَعْ لِي الْخَيْرَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالعَفَافَ وَالْغِنَى». دعاها را سه بار تکرار نماید. در آغاز هر دعاء، حمد خدا و تسبیح و تمجید خدا، صلوات و سلام بر رسول الله و آل و اصحاب او را بگوید. در پایان هر دعاء نیز حمد خدا را بگوید و صلوات و سلام بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد و با هر دعائی آمین بگوید. اینجا است که باید اشک حسرت بر عمر از دست رفته در گناه ریخته شود. چون آنجا است که گناهان آمرزیده می‌شود. از علی علیه السلام روایت است که در صحرائی عرفات سوره الحشر را بسیار می‌خواند. هنگام دعاء دست‌ها را بالا ببرد. صدای خود را در دعاء و اذکار زیاد بلند نکند. برای اینکه پیغمبر از بلند کردن صدا منع نموده و فرموده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ارْبِعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا، إِنَّهُ مَعَكُمْ، إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ». در عرفه تا بعد از غروب آفتاب بماند، تا به این وسیله در عرفات روز و شب را جمع کرده باشد و در هر دو مقداری در عرفه مانده باشد. در عرفات باید عقل و هوش داشته باشد؛ چون اگر در حال عقل و هوش بقدر عبور آنجا باشد و یا در آنجا خواب باشد و قوف او صحیح است؛ اما وقوف بیهوش، مست و دیوانه صحیح نیست. در عرفات و منی سنت‌های قبلی و بعدی و همچنین نماز و وتر را بخواند. حج بیهوش و سکران اصلاً صحیح نیست. حج دیوانه، حج سنت به حساب می‌آید. بعد از مغرب اگر توانست تا بعد از غروب آفتاب در عرفه بماند و اگر نتوانست تا مغرب بماند.

پس بسوی مزدلفه می‌روند و نماز مغرب را تأخیر می‌کنند تا در مزدلفه نماز مغرب و عشاء را باهم جمع کنند. در موقع رفتن از عرفه به مزدلفه با سنگینی و آرامش همراه با یاد مداوم خدا و لبیک گفتن پیوسته می‌روند. در مزدلفه نماز مغرب و عشاء را به صورت جمع تأخیر می‌خوانند. برای رمی جمره عقبه هفت سنگ به اندازه باقلا از مزدلفه می‌چینند. در مزدلفه شب می‌مانند. چون این ماندن شب در مزدلفه از واجبات حج است. وقت آن بعد از نیمه شب است. پس از نیمه شب اگر یک ساعت در مزدلفه بماند کفایت می‌کند. اگر بعد از نیمه شب در مزدلفه نباشد و قبل از نیمه شب از مزدلفه بیرون رود و برنگردد، ذبح گوسفند بر او لازم است زنان و ضعیفان می‌توانند بعد از نیمه شب از مزدلفه بسوی منی بروند، دیگران در مزدلفه می‌مانند. نماز صبح را در اول وقت، قبل از اینکه هوا روشن شود می‌خوانند و سپس به مشعرالحرام می‌روند. در آنجا به ذکر و یاد خدا و دعاء می‌پردازند و می‌گویند: «اللَّهُمَّ كَمَا أَوْفَقْتَنَا فِيهِ وَأَرَيْتَنَا إِيَّاهُ فَوْقَقْنَا لِذِكْرِكَ كَمَا هَدَيْتَنَا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا بِقَوْلِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿۱۹۸﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۹۹﴾﴾ [البقرة: ۱۹۸-۱۹۹].

بسیاری دعا می‌کنند و می‌گویند: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

هرچه دوست دارند دعا می‌کنند. اگر ممکن بود بر کوه مشعرالحرام (که کوه کوچکی است و در آخر مزدلفه است) بالا می‌روند. اگر ممکن نبود پائین کوه می‌ایستند و یاد خدا و دعا می‌کنند، تا آنگاه که هوا خوب روشن شود. آنگاه به منی می‌روند. بعد از طلوع آفتاب به منی داخل می‌شوند و هفت

سنگ به ستون عقبه می اندازند. با انداختن هر سنگ تکبیر می گویند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ». بعد از سنگ انداختن به ستون عقبه می روند و در منی منزل می گیرند. اگر بتوانند در محلی منزل می گیرند که رسول الله ﷺ منزل می گرفت. بعد از ذبح هدی و یا قربانی سر را می تراشند. پس از سر تراشیدن برای طواف رُکن (طواف رُکن را طواف إفاضه و طواف زیاره و طواف صدر می نامند و همه به یک معنی است) به مکه مکرمه می روند. بعد از طواف رکن به سعی بین صفا و مروه می پردازند. اگر بعد از طواف قدوم سعی کرده اند کافی است. آنگاه به منی باز می گردند تا شب را در آنجا بمانند و به ستون‌ها اولی و وسطی و عقبه بعد از ظهر روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم سنگ بیندازند. به هر ستون از ستون‌های سه گانه هفت سنگ می اندازند. بیشتر ساعات شب‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ را در منی می مانند. هر روز ۲۱ سنگ برای رمی اولی و وسطی و عقبه از منی می چینند. اگر در هیچ‌یک از شب‌های سه گانه در منی نماند ذبح گوسفند بر او لازم می شود. در ترک یک سنگ یک مد یعنی $\frac{3}{4}$ یک کیلو برنج لازم می شود. در ترک دو سنگ، دادن یک کیلو و نیم برنج لازم می شود که به فقراء حرم مکه بدهد. اگر روز دوازدهم قبل از غروب از منی بیرون رفت مانند شب سیزدهم و سنگ انداختن در روز سیزدهم از او ساقط می شود. همچنین اگر روز دوازدهم قبل از مغرب مشغول اسباب سفر شد و آفتاب غروب کرد و از منی بیرون رفت باز هم مانند شب سیزدهم و سنگ انداختن در روز سیزدهم از او ساقط می شود.

وقت رمی عقبه، سر تراشیدن و طواف رکن بعد از نیمه دوم شب عید قربان داخل می شود. وقت ذبح هدی و قربانی بعد از ارتفاع آفتاب روز عید قربان و گذشتن وقت به اندازه خطبه و نماز عید شروع می شود.

قربانی عبارت است از حیوان حلال گوشت مانند شتر، گاو و گوسفند که حجاج با خود می‌برند یا در همانجا تهیه می‌کنند.

در روز عید باید چهار کار صورت گیرد: رمی جمره عقبه، ذبح هدی، حلق و طواف، رعایت ترتیب هم سنت است. وقت این اعمال بعد از نیمه شب عید قربان داخل می‌شود و پایانی هم ندارد، بجز ذبح قربانی که بعد از طلوع آفتاب و گذشتن وقت به اندازه نماز عید و خطبه، وقت آن شروع می‌شود و تا غروب روز سیزدهم وقت آن ادامه دارد و پس از آن تمام می‌شود. بعد از فراغت از اعمال منی از قبیل شب ماندن و سنگ انداختن به ستون‌های اولی و وسطی عقبه، به مکه برمی‌گردد. موقعی که اراده نمود از مکه حرکت کند و به وطن برگردد و یا به مدینه منوره برود، طواف وداع را انجام می‌دهد، دو رکعت سنت طواف می‌خواند و به متلزم می‌رود که میان حجرالاسود و دروازه کعبه مشرفه قرار دارد. آنگاه این دعا را می‌گوید.

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى مَا سَخَّرْتَ لِي مِنْ خَلْقِكَ حَتَّى سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، وَبَلَّغْتَنِي بِنِعْمَتِكَ حَتَّى أَعْنَتَنِي عَلَى قَضَاءِ مَنَاسِكَكَ فَإِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَإِلَّا فَمِنَ الْآنَ قَبْلَ أَنْ تَتَأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي وَيَعُدَّ عَنْهُ مَزَارِي. هَذَا أَوْأَنْ أَنْصِرَافِي إِنْ أُذِنْتَ لِي غَيْرَ مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِبَيْتِكَ وَلَا رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَن بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ فَاصْحَبْنِي الْعَافِيَةَ فِي بَدَنِي، وَالْعِصْمَةَ فِي دِينِي وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبِي وَارْزُقْنِي الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ مَا أَبْقَيْتَنِي.»

آنگاه کنار چاه زمزم می‌رود. از آب زمزم شکم خود را پر می‌کند. موقعی که می‌خواهد آب زمزم را بنوشد رو به قبله می‌نشیند، یاد خدا می‌کند، حمد

خدا و درود بر پیغمبر خدا و آل و اصحابش را بجا می‌آورد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ

إِنَّهُ بَلَّغَنِي عَنْ رَسُولِكَ ﷺ أَنَّهُ قَالَ «مَاءَ زَمَزَمَ لِمَا شُرِبَ لَهُ» اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَشْرِيهِ

لِحِفْظِ الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ وَحضور قلبي في طاعتك والإخلاص لك، اللَّهُمَّ فافعل.»

آنگاه می گوید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و آب زمزم را با سه نفس می آشامد.

زیارت قبر رسول الله ﷺ

آنگاه به مدینه می رود. در راه رفتن به مدینه منوره بر پیغمبر و آل و اصحابش بسیار صلاة و سلام می فرستد. وقتی که درخت های مدینه یا ساختمان های مدینه را دید، بر درود و سلام فرستادن بر پیغمبر و آل و اصحابش می افزاید. وقتی که به مدینه منوره رسید بدن را می شوید، پاکیزه ترین لباس خود را می پوشد، به مسجد پیغمبر می آید و قصد روضه مقدسه می نماید. نخست دو رکعت تحية المسجد می خواند؛ آنگاه می آید برابر قبر رسول الله ﷺ در نهایت ادب و احترام می ایستد و می گوید: «السلام عليك يا رسول الله، الصلاة والسلام عليك يا خاتم النبياء، الصلاة والسلام عليك يا شفيع المذنبين، الصلاة والسلام عليك يا رحمة للعالمين، أشهد أنك بلغت الرسالة ونصحت الأمة فجزاك الله عنا وعن جميع أمتك خيراً الجزاء وبما أنت له أهل، الصلاة والسلام عليك وعلى آلك وأهل بيتك وعترتك وجميع صحابتك والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين».

آنگاه یک گام به طرف راست می رود و می گوید: «السلام عليك يا ابا بكر الصديق يا خليفة رسول الله، قُمت بالخلافة الراشدة ونصرت الإسلام ونصحت الأمة جزاك الله عنا عن أمة محمد خير الجزاء».

پس از آن یک گام به طرف راست می‌رود و می‌گوید: «السلام عليك يا أمير المؤمنين يا عمر بن الخطاب قُمت بالخلافة الراشدة ونصحت الأمة جزاك الله عنا وعن أمة محمد خير الجزاء».

آنگاه به جای اوّل روبروی قبر شریف حضرت رسول برمی‌گردد و به پیغمبر ﷺ برای خودش توسّل می‌جوید. از خدا می‌خواهد که شفاعت پیغمبر را در روز قیامت نصیب او و بستگان و همهٔ امت محمد ﷺ بگرداند.

والحمد لله أولاً و آخراً و دائماً.

والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين وآله وصبه أجمعين، وقع الفراغ من كتابته في يوم الأحد الحادي عشر من ذيقعدة الحرام من عام اربع مائة وواحد وعشرين هجرية قمرية. اللهم اجعله مقبولاً لديك بمنك وكرمك.

پایان نگارش: یکشنبه

۱۱ ذیقعدة-۱۴۲۱ هـ ق